

دفترچه 171؛ خاطرات شیطان 187؛ دست بچه‌ها افتاد



شناسه خبر: ۱۴۰۲۳۰ سه شنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۳ - ۰۲:۳۵

نویسنده خاطره‌ها را به گونه‌ای از زبان شیطان تعریف کرده که شیطان هم خاطره‌هایش را برای کودکان بازگو می‌کند و هم لابه‌لای آن خاطره‌ها با مخاطبینش حرف می‌زند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی تسنیم، «خاطرات شیطان» کتابی است از زبان شیطان درباره دست‌گل به آب دادن آدم‌هایی که گول و سوسه‌های او را خورده‌اند. «غلامرضا حیدری ابهری» این کتاب را برای کودکان نوشته است تا آنها را از راه‌هایی که شیطان می‌تواند آنها را گول بزند با خبر کند.

در مقدمه کتاب، شیطان خودش را معرفی می‌کند و دلیل بهم خوردن رابطه‌اش با خدا را برای بچه‌ها توضیح می‌دهد. از ماموریتی که سال‌هاست بعد جدایی از خدا برای خودش انتخاب کرده حرف می‌زند و در ادامه هم خاطراتی از

وسوسه‌گری‌هایش را تعریف می‌کند. در واقع نویسنده بیست رفتار و کردار اشتباه را انتخاب کرده و با زبانی طنزآمیز و صمیمی آنها را به گونه‌ای برای بچه‌ها تعریف کرده است که هم لحن کتاب برای بچه‌ها جذاب باشد و هم غیر مستقیم زشتی کارهای نادرست را بفهمند. گفتن مستقیم بکن‌نکن‌های اخلاقی گاهی می‌تواند اثر عکس روی بچه بگذارد اما گفتن غیر مستقیم آنها و با شیوه نو خیلی بهتر می‌تواند کودک را با خودش همراه کند.

نویسنده خاطره‌ها را به گونه‌ای از زبان شیطان تعریف کرده که شیطان هم خاطره‌هایش را برای کودکان بازگو می‌کند و هم لابه‌لای آن خاطره‌ها با مخاطبینش حرف می‌زند. از این طریق شیطان به بچه‌ها می‌گوید که کار او فقط وسوسه کردن است و اگر بچه‌ها حواسشان را جمع کنند می‌توانند گول او را نخورند.

نکته مهم کتاب نمونه‌های کارهای اشتباهی است که نویسنده آنها را در کتاب آورده است. ابهری در بعضی از بخش‌ها به سراغ ساده‌ترین کارهای بد رفته است تا به کودک بیاموزد کار بد لزوماً کار خیلی خیلی بد یا بزرگ نیست؛ بلکه یک کار به ظاهر کوچک یا انجام ندادن یک کار خوب یا آزار دادن جسم خود هم می‌تواند از وسوسه‌های شیطان باشد. در واقع نویسنده با انتخاب این دست خاطرات به بچه یاد می‌دهد باید همیشه حواسش به کارهایش باشد چون وسوسه‌های شیطان همیشه و در هر کاری می‌تواند او را گمراه کند.

مثلاً در بخشی از خاطره «باز هم غذا بکش» نوشته است: «من باز وسوسه‌اش کردم: بهاره خانم! تو که می‌دانی دست‌پخت مادرت حرف ندارد. باز هم بکش بهاره، باز هم بکش. بهاره گول خورد و باز هم برای خودش غذا کشید. قاه‌قاه‌قاه... اصلاً نمی‌دانست چقدر باید بخورد. فقط می‌خورد و می‌خورد... آن قدر خورد که شکمش باد کرد. قاه قاه قاه! آخ که چقدر من از پر خوری شما آدم‌ها خوشم می‌آید.»

صفحات کتاب مثل دفتر خطدار است. این کار با توجه به راوی بودن شیطان باعث می‌شود مخاطب تصور کند که دفتر خاطرات شیطان افتاده است دستش و او این شانس را دارد تا با خواندن آن خاطرات بداند کجاها ممکن است حرف شیطان او را گول بزند. برای همین تلاش می‌کند که به وسوسه‌هایش گوش نکند. گوشه‌های این دفتر خاطرات شیطان هم با تصویرگری «سام سلماسی» زیباتر شده است. تلفیق تصویر و کلمه برای کودکان تلفیق کمک‌کننده‌ایست برای فهم بهتر رسالتی که آن کتاب برعهده داشته است.

و چیزی بهتر از این نیست که آدم از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد تا در دام وسوسه‌های او نیفتد.

شیطان از مقربین درگاه الهی بود ولی از وقتی به خاطر ما انسان‌ها رابطه‌اش با خدا شراب شد قول داد که آدم‌ها را از راه به در کند. در این راه هم هر کاری که از دستش ساخته است را تا حالا انجام داده و هنوز که هنوز است دارد ما آدم‌ها را از خدا دور می‌کند. البته او بر انسان غلبه‌ای ندارد اما همان وسوسه‌هایش گاهی چوب لای چرخ بندگی انسان می‌گذارد و آدمی لغزش می‌کند.

انتشارات بین‌المللی جمال، کتاب «خاطرات شیطان» را در 84 صفحه منتشر کرده و این کتاب تاکنون به چاپ ششم رسیده است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/